

جزوه حقوق تجارت (۱)

استاد مربوطه: سرکار خانم دکتر سولماز رحیم زاده

تهیه و تنظیم: محمد حسین فاتح

معین: تمامی شرایط و ضوابط آن در قانون معین شده است

مانند: عقد بیع و...

نا معین: در قانون معین نشده است / م ۱۰ ق. مدنی

عقد = دو طرفه

نگاه کلی و مرور:

ایقاع = یک طرفه مثل ابراء

عقد نامعین: طبق ماده ۱۰ قانون مدنی (قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صحیح قانون نباشد نافذ است.)

توضیحات معامله:

* بیع ۲ طرف دارد: خریدار به فروشنده و به پیشنهاد قطعی فروش **ایجاب** می‌گویند.

* اگر ایجاب قبول شود نتیجه آن انعقاد قرارداد با عقد است.

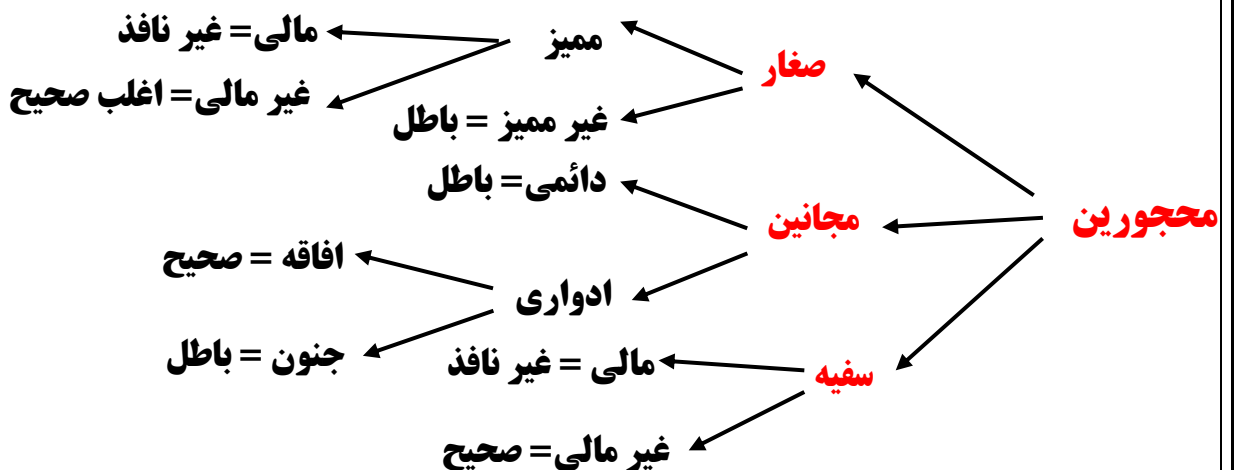
عقد = قرارداد = معامله = داد و ستد و... * اما آنچه در علم تجارت استفاده می‌شود **معامله** است.

شرایط قرارداد صحیح: طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی برای صحت هر معامله ای شرایط ذیل اساسی است:

۱) قصد طرفین و رضای آنها ۲) اهلیت طرفین ۳) موضوع معلوم ۴) مشروعیت جهت معامله توضیحات معامله:

* نتیجه عدم قصد طرفین در انجام معامله، **بطلان معامله** است مانند: معامله در حالت مستی - خواب - بیهوشی - عقد سوری و... **باطل** است.

* نتیجه عدم رضایت طرفین در انجام معامله **غیر نافذ** بودن عقد است.



* در اغلب موارد سفیه کسی است که به سن رشد نرسیده است.

* معمولاً به افراد زیر ۱۸ سال **سفیه** می‌گویند. / سفیه کسی است که در مسائل مالی قدرت درک کافی ندارد که ممکن است بالای ۱۸ سال نیز باشد - سن مشخصی ندارد.

* **موضوع معلوم:** یعنی از جنس یا ملک و.. به فروش رفته با جزئیات مشخص شده باشد.

مثلاً: در فروش ماشین شماره موتور - شماره شاسی و... با تمام جزئیات قید شود وگرنه معامله **باطل** است.

تاجر: طبق ماده ۱ قانون تجارت (تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد)

تاجر کسی یا شخصی است که شغل معمولی خود را معاملات جاری قرار می‌دهد.

شغل اصلی / منبع اصلی در آمد

اما **معاملات تجاری** خود بر دو نوع است: ۱- **تبعی ۲- ذاتی**

معاملات تجاری تبعی : طبق ماده ۳ قانون تجارت **معاملات** ذیل به اعتبار **تاجر** بودن **متعاملین** یا یکی از آنها

تجارتی محسوب می شود :

۱- کلیه معاملات بین تاجر و **کسبه** و **صرافان** و **بانکها**.

۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حاجت ها تجارتی خود می نماید.

۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می نماید.

۴- کلیه معاملات **شرکت های تجارتی**.

معاملات تجاری ذاتی : طبق ماده ۲ قانون تجارت **معاملات** تجارتی از قرار ذیل است :
(بدست آوردن مال از هر عقدی)

۱) **خرید یا تحویل هر نوع مال منقول** (از طرف دیگر، منقول اشاره به قابلیت نقل اشیا و اموال دارد. یعنی اگر بتوانیم به راحتی و بدون ایجاد زیان و خرابی، اموالی را جابجا کنیم، به آنها اموال گفته میشود. به طور کلی میتوانیم بگوییم منظور از اموال منقول، اشیا و اموالی است که امکان نقل و انتقال آنها بدون هیچگونه خرابی و آسیب وجود دارد.) **به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.**
(نصرف متعارف)

منظور از تصرف متعارف؟ تصرفی که در آن جنس به جدی تغییر کرده باشد که قابل تشخیص از حالت اولیه خود باشد

۲) **تصدی و حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.**

به چه کسی متصدی حمل و نقل گفته می شود؟ ۴ شرط دارد : ۱- در قالب یک بنگاه یا یک موسسه فعالیت نماید
۲- ابزار آلات و ماشین آلات در اختیار داشته باشد ۳- نیروی انسانی در اختیار داشته باشد ۴- در شغل خود استمرار داشته باشد.

۳) هر قسم عملیات دلالتی یا حق العمل کاری کمیسیون و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تاسیساتی که رای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیلات معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه و یا تهیه و رسانیدن ملزومات و...

دلال : کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. اصولاً قرارداد دلالتی تابع مقررات راجع به وکالت است.

حق العمل کار : کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.

۴) **تاسیس** و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد. (در این قسمت تاسیس مهم است یعنی اگر شخصی کارخانه را خود تاسیس نکند عمل تجاری محسوب نمی شود بنابراین تاجر نیست)

۵) **تصدی به عملیات حراجی** ۶) **تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی** ۷) هر قسم عملیات صرافی و بانکی

۸) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد. (۹) عملیات بیمه بحری و غیر بحری

۱۰) کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه آنها

شرایط تاجر بودن :

۱) داشتن کارت بازرگانی (۲) ثبت نام در دفتر تجاری (۳) اسم تجاری (۴) داشتن دفاتر تجاری مطابق قانون

* اگر شخصی شغل اصلی آن تجارت باشد ولی تکالیف تاجر بودن را رعایت نکند ممکن است در صورت ورشکستگی به مجازات محکوم شود اما معاملات وی صحیح است. یعنی در مقابل ثالث قابل استناد می باشد.

مجازات ندارد دارای مجازات
(ورشکستگی = ۱) عادی (۲) به تقصیر (۳) به تقلب

مهم ؛ تفاوت معاملات تجاری ذاتی و تبعی :

اعمال تجاری ذاتی یا **اصلی** عبارتند از معاملاتی که به خودی خود ذاتاً تجاری محسوب می گردند و هرکسی یکی از بند های ۲ م را شغل معمولی خود قرار بدهد تاجر محسوب می شود اما اعمال **تجاری تبعی** معاملاتی اطلاق می شود که خود آنها اصولاً و ذاتاً تجاری نیستند ولی اگر تاجر آنها را انجام دهد به اعتبار و تبع تاجر بودن شخص، **تجارتی** محسوب می گردند.

اموال منقول: یعنی اموالی که با جابجایی فیزیکی آنها نه به مال و نه به مکان آن مال خسارت وارد نشود.

مانند : کتاب ذاتی : مانند ملک

اموال غیر منقول : به واسطه عمل انسان : (به واسطه ی انسان ها) مانند : در و پنجره بکار

حکمی : ماده ی ۱۷ قانون مدنی رفته در ساختمان

نکته: در هنگام مطرح نمودن یک دادخواست علیه خواننده ای دعوا اصل بر صلاحیت محاکم محل (اقامتگاه خواننده می باشد اما استثنائاتی نیز مطرح است مثل حالتی که مورد معامله ی مال غیر منقول بوده که در این صورت الزاماً باید پرونده در محل وقوع مال غیر منقول مطرح گردد وگرنه باقرار عدم صلاحیت در دادگاه روبه رو می گردد.

مثال برای بند ۱ ماده ی ۲ قانون تجارت :

- ۱- واردات ورقه mdf از دبی و فروش آن به همان صورت (تصرفات نشده است) تاجر ✓
منظور از تصرف در
- ۲- واردات ورقه mdf و تبدیل آن به صندلی و فروش (تصرف غیر متعارف) تاجر ×
بند ۱ م ۲ چیست ؟
- ۳- واردات میز و صندلی دست دوم و رنگ کردن آن و فروش آن (تصرف متعارف) تاجر ✓

شرایط متصدی گری در شغل (بند ۲ ماده ۲ قانون تجارت) :

۱- در قالب ۱ بنگاه یا ۱ موسسه فعالیت نماید. ۲- ابزار آلات با ماشین آلات در اختیار داشته باشد.

۳- استمرار داشته باشد.

۴- نیروی انسانی در اختیار داشته باشد. * پس با این شرایط

گفته شده نمی‌توان راننده تاکسی را تاجر به شمار آورد ولی شرکت تاکسی رانی تاجر محسوب می‌شود.

دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین **معامله** را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه

دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال در مقابل هر یک از طرفین **مسئول تقلب** و **تقصیرات** خود

می‌باشد.

حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) **معاملاتی** کرده و در مقابل **حق العملی**

دریافت می‌دارد. (ماده ۳۳۷ و ۳۵۷ قانون تجارت)

تفاوت های دلالی با حق العمل کاری:

۱- فرق اصلی این دو این است که به نام دیگری و به حساب دیگری فعالیت می‌نماید ولی حق العمل کاری کسی

است که به اسم خود اما به حساب دیگر آن را انجام می‌دهد.

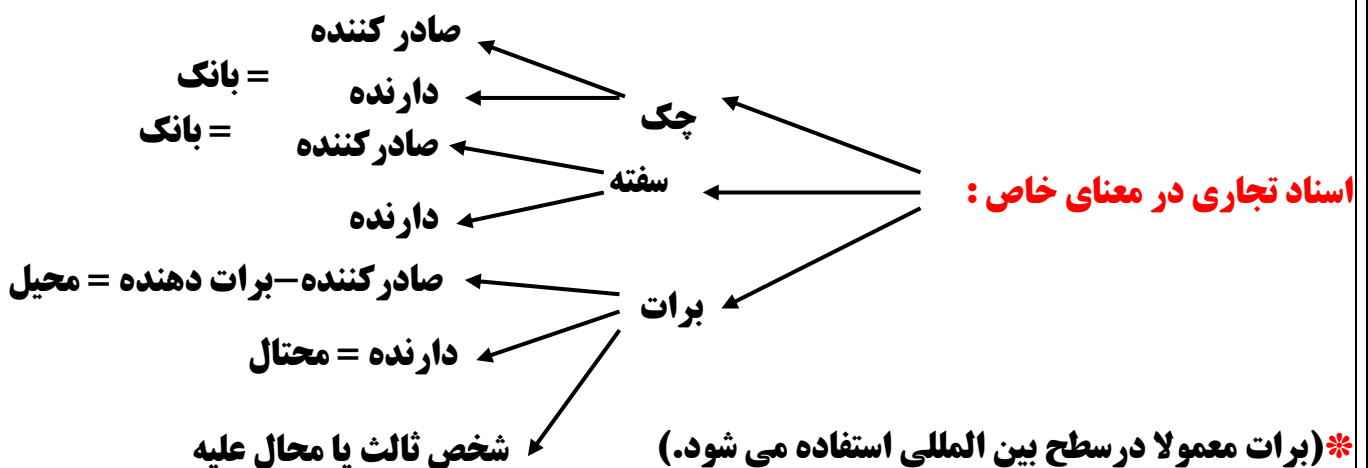
۲- تفاوت در گرفتن مخارج: مخارج دلال اگر شرط شده باشد به وی پرداخت می‌شود اما مخارج حق العمل کار

چه شرط شده و چه شرط نشده باشد به اون پرداخت می‌شود.

۳- حق العمل کار حق حبس جهت دریافت اجرت دارد اما دلال حق حبس ندارد.

شباهت های دلال و حق العالم کار:

۱- هر دو تاجرند طبق م ۲۲- هر دو واسطه انجام معامله هستند ۳- هر دو در قبال دریافت اجرت کار می‌کنند



برات: نوشته‌ای است که شخصی به نام صادر کننده برات آن را به نفع شخص دیگری به نام دارنده برات صادر

می‌کند تا دارنده با مراجعه به شخص ثالثی به نام **برات گیر** یا **محال علیه** وجه را از او دریافت نماید که در هنگام

مراجعه برات گیر می‌تواند آن را قبول و یا رد کند قانون این مورد را الزام نمی‌کند.

***طبق ماده ۶ قانون تجارت هر تاجری به استثنای کسبه جز مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت**

عدلیه به موجب نظام نامه قائل مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد :

۱- دفتر روزنامه ۲- دفتر کل ۳- دفتر دارایی ۴- دفتر کپیه

دفتر روزنامه (ماده ۷ قانون تجارت) : دفتری است که تاجر مطالبات دیون معاملات، واردات، صادرات و حتی هر مبلغی که برای نیازهای شخصی خود برداشت می نماید در آن دفتر قید نماید.

دفتر کل (ماده ۸ قانون تجارت) : همان مندرجات دفتر روزنامه به صورت دسته بندی و تفکیک شده ی باشد که حداقل هفته یک بار توسط تاجر نوشته می شود.

دفتر دارایی (ماده ۹ قانون تجارت) : دفتری که تاجر هر ساله صورت دارایی منقول و غیرمنقول و طلب کاری بدهکاری های خویش را از سال گذشته در آن نوشته و الزاماً امضا نماید.

دفتر کپیه (ماده ۱۰ قانون تجارت) : دفتری که تاجر باید کلیه ی ارسالی ها و تماس های صورت گرفته شده صورت حساب های صادره خود را به ترتیب تاریخ ذکر نماید.

- قابلیت استناد به دفاتر تجاری تاجر :

***چرا دفاتر تاجر تحت هر شرایطی به ضروری قابل استناد است؟**

زیرا دفاتر تاجر نوعی اقرار کتبی محسوب می شود.

***چه زمانی دفاتر تاجر به نفع وی قابلیت استناد خواهد داشت؟**

۱- دفاتر مطابق مقررات تنظیم شده باشد. (مثلاً قلم خورد، حاشیه نویسی و... نباشد)

۲- طرفین دعوا هر دو تاجر عمده باشند.

۳- دعوا مربوط به امور تجاری تاجر باشد نه امور شخصی.

دلالی :

*دلالی تابع مقررات وکالت است، منظور قانونگذار از این جمله این مورد می باشد که چنانچه در خصوص یک مشکلی در قرارداد دلالی مقرره‌ای (مقرراتی) در قانون و در قسمت دلالی پیش بینی نشده باشد، برای حل آن بایستی به قوانین عقد وکالت در قانون مدنی و آیین دادرسی مدنی مراجعه گردد. (ماده ۳۳۵ قانون تجارت)

دلال کسی است که در مقابل **اجرت** واسطه انجام **معاملاتی** شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. اصولاً **قرارداد دلالی** تابع مقررات راجع به **وکالت** است.

*برای دلال هیچ محدودیتی برای دلالی وجود ندارد و می تواند در هر چیزی مانند ماشین و ملک و... دلالی کند منظور از محدودیت در این ماده و مورد، درباره موضوعات است، یعنی دلال هیچ محدودیتی برای موضوعات دلالی ندارد. (ماده ۳۳۶ قانون تجارت) **دلال** می تواند در رشته های مختلف **دلالی** نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

(ماده ۳۳۷ قانون تجارت) **دلال** باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین **معامله** را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه **دلالی** را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول **تقلب و تقصیرات** خود می باشد.

مثال حقوقی برای ماده ۳۳۷ قانون تجارت : به عنوان مثال شخصی ماشینی را که یک تکه رنگ دارد یا ضربه خورده است را برای فروش به دلال می سپارد و قرار بر آن می شود که این ماشین را به عنوان ماشین بدون لکه رنگ و ضربه بفروشد ماشین به فروش می رود و شخص خریدار بعد از خرید ماشین متوجه لکه رنگ یا ضربه خوردگی ماشین می شود خریدار می تواند بر علیه دلال شکایت کند و در این مورد دلال نمی تواند ادعا کند که خبری از لکه ی رنگ و ضربه خوردگی ماشین نداشته زیرا این دلال تخصصش در ماشین و دلالی ماشین است مردم به این کار آن را می شناسند و او باید این عیوب ماشین را شناسایی می کرد و به خریدار این موارد را قبل از فروش می گفت پس خریدار می تواند از دلال خسارت بگیرد.

دلال نمی تواند پول وسیله یا چیز فروخته شده را خود از خریدار و به حساب خود بگیرد باید پول معامله اول به حساب فروشنده واریز یا داده شود و بعد فروشنده دستمزد دلال را پرداخت کند مگر اینکه فروشنده اجازه کتبی یا شفاهی در این مورد را به دلال داده باشد (ماده ۳۳۸ قانون تجارت) **دلال** نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله **قبض وجه** یا **تأدیه دین** نماید یا آنکه **تعهدات** آنها را به موقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

***در ماده ۳۳۹ قانون تجارت: دلال** مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر

اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است.

***به نظر می‌رسد تعهد دلال به نتیجه** است مگر اینکه اثبات شود آن هم توسط قوه قاهره. اما به نظر برخی از

حقوقدان ها نیز نوع مسئولیت ایشان تعهد به وسیله می باشد.

***- انواع تعهد:**

تعهد به وسیله ← تلاش برای موفقیت، مانند: قرارداد و کالت = اصل بر عدم تقصیر است مگر اثبات خلاف

آن توسط مدعی (متعهدله)

تعهد به نتیجه ← تضمین نتیجه مورد نظر مثلاً: تلاش برای رساندن سالم کالا به مقصد، مانند: قرارداد

متصدی حمل و نقل = اصل بر تقصیر مگر اثبات خلاف آن توسط متعهد آن هم با اثبات قوه قاهره

(سیل، زلزله، طوفان) یا در شرایطی فعال شخص ثالث

- ید امانی: اصل بر امانت است و تخلف مرتکب نشده است. / مالی که در دست شخص می باشد امانت است و در

صورت تلف مقصر نیست مگر با اثبات خلاف آن توسط مدعی

- ید ضمانتی: اصل بر ضمانت است و تحت هر شرایطی ضامن آن تعهد است. / مالی که در دست (درید) شخص

است اگر تلف شود ضامن می باشد مگر با اثبات قوه قاهره یا فعل ثالث

(در مورد طلا و نقره به طور استثنا از نوع ید ضمانتی است) - در عقد عاریه ید امانی است اما در مورد طلا و نقره

استثنائاً ید گیرنده ضمانتی محسوب می شود.

***در فروش از روی نمونه دلال باید نمونه را تا ختم معامله نگه دارد مگر اینکه طرفین معامله و او را از این**

تکالیف معاف نمایند. (ماده ۳۴۰ قانون تجارت) در موردی که فروش از روی نمونه باشد **دلال** باید نمونه مال

التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.

***دلال** می‌تواند هم برای یک طرف و هم برای دو طرف کار کند ولی باید آمرین (طرفین) را از آن مطلع کند

وگرنه مسئول خسارات وارده خواهد بود. (ماده ۳۴۱ قانون تجارت) **دلال** می‌تواند در زمان واحد برای چند

آمر در یک رشته یا رشته‌های مختلف **دلالی** کند ولی در این صورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری

که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.

(ماده ۳۴۲ قانون تجارت) هر گاه **معامله** به توسط **دلال** واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین

طرفین به توسط او رد و بدل شود در صورتی که **امضاها** راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را

کرده‌اند **دلال** ضامن صحت و اعتبار امضاهای نوشتجات و اسناد مزبور است.

***اگر دلال در معامله‌ای شرکت کند و اسناد مربوطه را بین طرفین رد و بدل کند، مسئول صحت امضاها و اعتبار**

اسناد خواهد بود، به شرطی که امضاهای مربوطه به کسانی باشد که دلال برای آنها معامله را انجام داده است.

ماده ۳۴۳ قانون تجارت) دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی

که به توسط او می شود نیست.

***دلال** **مسئول** اعتبار **طرفین** معامله ای که برای آنها **دلالی** می کند نیست و همچنین **ضامن** اجرای **معاملات** انجام شده از طریق او نیست.

ماده ۳۴۴ قانون تجارت) دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر

اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده است.

***دلال** **مسئولیت** جنس یا ارزش **کالای** **مورد معامله** را ندارد، مگر اینکه ثابت شود **تقصیر** از جانب او بوده است.

ماده ۳۴۵ قانون تجارت) هر گاه **طرفین معامله** یا یکی از آنها به اعتبار **تعهد شخص دلال** معامله نمود **دلال**

ضامن معامله است.

***اگر** **طرفین** معامله یا یکی از آنها به اعتبار **تعهد** یا اعتبار **شخص دلال** معامله کنند، **دلال** **مسئول** و **ضامن** اجرای معامله خواهد بود.

ماده ۳۴۶ قانون تجارت) در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته را

نمی داند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و به علاوه به ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای

نقدی محکوم خواهد شد.

***اگر** **دلال** در معامله ای که رای **طرفین** انجام می دهد، **سهیم** یا **سود شخصی** داشته باشد، باید این موضوع را به طرفی از این نکته بی خبر است، اطلاع دهد.

***اگر** **دلال** این کار را انجام ندهد و **خسارتی** به **طرفین** وارد شود، **دلال** **مسئول** **جبران خسارت** است، همچنین ممکن است به **جزای نقدی** محکوم شود.

ماده ۳۴۷ قانون تجارت) در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد

بود.

***اگر** **دلال** در معامله ای که برای **طرفین** انجام می دهد **سهیم** یا **نفع شخصی** داشته باشد، او همراه با **آمر** «**شخصی** که از **دلال** خواسته که **برایش** معامله کند» **مسئول** اجرای **تعهدات** معامله خواهد بود.

***دلال** نمی تواند **حق دلالی** را **مطالبه** کند مگر در صورتی که به **راهنمایی** یا **وساطت** او تمام شده باشد.

ماده ۳۴۸ قانون تجارت) دلال نمی تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا

وساطت او تمام شده باشد.

مثلاً در معامله ای آن معامله ای است که هرچند منعقد شده اما آثار آن معلق به وقوع شرط است فرض مثال در ماشین خریداری شده اگر ظرف ۴۸ ساعت ایرادی در ماشین پیدا شود قرارداد فسخ می

مشروط / معلق

معامله

منجز یا قطعی

ماده ۳۵۱ قانون تجارت: اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می کند به او داده شود دلال مستحق اخذ

مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند. / **مربوط به یکی از تفاوت های دلال با حق العمل کار است.**

*** نکته (خود ماده):** اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می کند به او داده شود، دلال مسحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده، حکم کند.

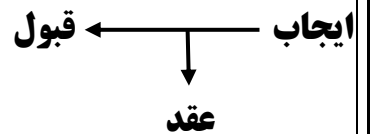
ماده ۳۵۲ قانون تجارت: در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از **خيارات قانونی فسخ** بشود **حق مطالبه دلالی از دلال** سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

خيارات قانونی: اختیار قانونی فسخ یک معامله * راه های از بین بردن معامله :

(۱) فسخ (یک طرفه) - ارادی

(۲) اقاله (دو طرفه) - ارادی - با توافق

(۳) انفساخ - قهری - با حکم قانون



عقود لازم = فسخ با خيارات؛ مثل عقد بیع / هیچ یک از طرفین حق برهم زدن آن را ندارند مگر به موجب اختيارات قانونی

جایز = قابل فسخ و نیازی به خيارات ندارد / هر یک از طرفین حق برهم زدن عقد را بدون هیچ دلیلی دارند و با فوت و جنون و سفیه شدن طرفین از بین می رود.

* اگر عقود جایز شرایطی مثل؛ فوت، جنون، سفیه، شدن طرفین و... اتفاق بیافتد، معامله منفسخ می شود.
* چیزی که قهرا از بین برود انفساخ است.

* همه عقود لازم هستند مگر اینکه قانون گذار آن را جایز بشمارد. اصل بر لزوم قراردادها است.

الف (فروشنده) ← ب (خریدار) — در این مثال فروشنده ای مسکن ملی و یا زمینی که متعلق به او **ضمان درک** → زمین (مسکن ملی)

آن طرح ملی بوده، این معامله منفسخ است زیرا قهرا از بین می رود و خریدار می تواند پول خود را پس بگیرد فروشنده **نتیجه به مستحق اللغیر (ضمان درک)**
در آمدن مبیع (موضوع مورد معامله) نیست چون بی اطلاع بوده عمل او کیفر نخواهد داشت. / اگر اطلاع داشته باشد مشمول مجازات کیفری نیز خواهد بود.

ما ترک = دارایی ها و بدهی هایی که از شخص متوفی باقی می ماند اول باید بدهی های وی داده شود و باقی اموال بین وراثت تقسیم می شود.

*** ادامه مبحث ماده ۳۵۲ قانون تجارت** منظور از خيار فسخ قانونی چه مواردی است؟

از انواع خيارات قانونی می توان به موارد ذیل اشاره نمود؛

- ۱- خيار عيب ۲- خيارت تدليس ۳- خيار شرط ۴- خيار حيوان ۵- خيار غبن ۶- خيار رويت
- ۷- خيار وصف ۸- خيار تأثير در ثمن و...

فسخ هيچ وقت از طرف دادگاه صادر نمی شود زیرا دادگاه طرفين دعوا نیست فقط فسخ را تاييد می کند به عبارتی ديگر طرفين بايد اقدام به فسخ معامله کنند دادگاه آن را تاييد می کند.

نکته = (خيار شرط) تنها خياری است که بايد در معامله ذکر شود؛ (برای متعاملين يا ثالث) و ذکر ساير خيارات الزامی نیست!! و قانوناً برای طرفين وجود دارد.

***اسقاط کافه خيارات =** در معامله نشانگر اين است که ديگر نمی توان از خيارات استفاده کرد مگر خيارات استثنا مثل تدليس و تقضيه عمده

***اينکه خيار غبن فاحش باشد يا افحش باشد عرف آن را تعيين می کند.**

***توضيح ماده ۳۵۲ قانون تجارت** وقتی با یکی از خيارات معامله فسخ می شود دلال اجرت خود را می گیرد و ربطی به او ندارد مگر اينکه خود دلال موجب فسخ شود زیرا تقصير دارد.

***توضيح ماده ۳۵۳ قانون تجارت =** دلالی معاملات ممنوعه، اجرت ندارد، مثلاً فروش اشياى عتيقه و در اين موارد اگر دلال اجرت خود را دريافت نکرد نمی تواند در مقابل دستگاه قضايی شکایت کند. و به طرح دعواى او رسيدگی نمی گردد.

ماده ۳۵۴ قانون تجارت = حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اينکه **قرارداد خصوصی** غير اين ترتيب را مقرر بدارد.

***حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور نموده است مگر اينکه قرارداد خصوصی غير اين را مقرر بدارد.**

***توجه موارد ۳۵۵ و ۳۵۶ نسخ شده است .**

حق العمل کار

ماده ۳۵۷ قانون تجارت = حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) **معاملاتی** کرده و در مقابل **حق العملی** دریافت می‌دارد.

* یکی دیگر از تفاوت‌های دلال با حق العمل کار را بیان می‌کند.

ماده ۳۵۸ قانون تجارت = جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به **وکالت** در **حق العمل کاری** نیز رعایت خواهد شد.

* **قانونگذار می‌گوید که درباره وکالت وجود دارد، در مورد حق العمل کاری هم اجرا می‌شود، مگر در مواردی که استثنا شده باشد.**

ماده ۳۵۹ قانون تجارت = حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد.

* **حق العمل کار باید آمر را از روند کارها و اقداماتش آگاه کند، به ویژه اگر معامله‌ای را انجام داده باید خود آمر را در جریان بگذارد.**

ماده ۳۶۰ قانون تجارت = حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.

* **حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.**

ماده ۳۶۱ قانون تجارت = حق العمل کار، در مقابل اصیل مکلف به اطلاع‌رسانی است و پس از انعقاد معامله با طرف مقابل، باید مراتب امر را در اسرع وقت، به آگاهی آمر خود برساند. مسئولیت مدنی حق العمل کار، در قانون تجارت، به شرط ارتکاب تقصیر از سوی وی، پیش‌بینی شده‌است. به علاوه، در مواردی، نمی‌توان وی را مستحق حق العمل دانست.

* **عیوب ظاهری : عیوبی که اگر شخصی که متخصص هم نباشد و فرد عادی باشد بتوان آن عیوب را تشخیص دهد.**

* **نکته : به خساراتی که حین حمل و نقل اتفاق می‌افتد، خسارات آواری گفته می‌شود.**

ماده ۳۶۲ قانون تجارت = اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار می تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العمومی محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او به فروش برساند.

مربوط به فساد سریع مال التجاره

ماده ۳۶۳ قانون تجارت = اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده به فروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

*** اگر حق العمل کار مطابق دستور آمر مالی را بخرد یا بفروشد دیگر با قیمت اعلامی تفاوت داشته باشد حق استفاده از تفاوت قیمت را نخواهد داشت.**

ماده ۳۶۴ قانون تجارت = اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده بر آید.

*** اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده است بر آید.**

تقصیر ← افراط = کاری که باید انجام نمی شد، انجام شده است (زیاده روی)

تفریط = کاری که باید انجام می شد، انجام نشده است (کم کاری)

ماده ۳۶۵ قانون تجارت = اگر **حق العمل کار مال التجاره** را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد.

*** خلاصه: اگر حق العمل کار مال را به قیمتی کمتر یا بیشتر از مقدار تعیین شده بفروشد حق استفاده از تفاوت را نخواهد داشت.**

ماده ۳۶۶ قانون تجارت = اگر **حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی** را به **نسبه** بفروشد یا پیش قسطی دهد **ضررهای** ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذالک اگر فروش به نسبه داخل در **عرف** تجارتي محل باشد حق العمل کار مأذون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

*** حق العمل کار نباید بدون رضایت آمر مال را نسبه بفروشد یا پیش قسطی دهد.**

ماده ۳۶۷ قانون تجارت = **حق العمل کار** در مقابل آمر مسئول پرداخت **وجوه** یا انجام **سایر تعهدات** طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده یا **عرف** تجارتي بلد

او را مسئول قرار دهد. (مهم) ← آمر = مسئول انجام تعهدات طرف نیست.

چون آمر می داند طرف معامله چه کسی است.

حق العمل کار

مربوط به ماده ۳۵۷ ق.ت ← طرف مقابل = مسئول انجام تعهدات است.

ماده ۳۶۸ قانون تجارت = مخارجی که **حق العمل کار** کرده و برای انجام **معامله** و **نفع** آمر لازم بوده و

همچنین هر مساعده که به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً به حق العمل کار مسترد شود

حق العمل کار می‌تواند **مخارج انبارداری** و **حمل و نقل** را نیز به حساب آمر گذارد.

*این ماده به یکی دیگر از تفاوت‌های دلال و حق‌العمل کار اشاره دارد به طوری که دلال مخارج را دریافت نمی‌کند، مگر اینکه در این خصوص شرط شده باشد اما حق العمل کار در هر صورت مخارج خود را دریافت می‌کند به عبارتی حق العمل کار حق دارد هزینه‌های لازم و معقولی که وجه اصل هزینه وجه سودی که از آن به دست آورده است برای کار آمد خرج کرده را از آمر پس بگیرد.

ماده ۳۶۹ قانون تجارت = وقتی حق‌العمل کار مستحق حق‌العمل می‌شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای

آن مستند به فعل آمر باشد. نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق‌العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می‌نماید.

طبق این ماده در صورت عدم اجرای معامله باز هم حق العمل کار پول خود را یا اجرت خود را دریافت می‌کند.

ماده ۳۷۰ قانون تجارت = اگر حق‌العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که به حساب آمر قیمتی

علاوه بر قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق‌العمل نخواهد بود. / اگر حق‌العمل کار در امانت خیانت کند آمر می‌تواند مستقیماً به او مراجعه کند در غیر این حالت به حق‌العمل کار مراجعه نمی‌کند و طرف حساب او خریدار است.

ماده ۳۷۱ قانون تجارت = حق‌العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که

موضوع معامله بوده یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده - حق حبس خواهد داشت. / (مربوط به حق حبس) و یکی دیگر از تفاوت‌های حق‌العمل کار و دلال است.

* **منظور از حق حبس؟؟ پاسخ:** حق نگهداری مال یا اجرت نزد خود تا زمانی که اجرت حق‌العمل کار پرداخت نشود او حق حبس خواهد داشت.

ماده ۳۷۲ قانون تجارت = اگر فروش مال ممکن نشده یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را

بیش از حد متعارف نزد حق‌العمل کار بگذارد حق‌العمل کار می‌تواند آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او به طریق مزایده به فروش برساند.

ماده ۳۷۳ قانون تجارت = اگر حق‌العمل کار مأمور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي یا سایر

اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می‌تواند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده خود شخصاً

به عنوان فروشنده تسلیم بکند یا چیزی را که مأمور به فروش آن بوده شخصاً به عنوان خریدار نگاه دارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی...

سوال مربوط به ماده = چه موقعی حق العمل کار می تواند خودش فروشنده یا خریدار باشد؟

پاسخ = مثلاً کسی به وی بگوید فلان خانه را با فلان قیمت می خواهد در این حالت حق العمل کار می تواند خانه خود را که دارای همین مشخصات است به طرف به فروش برساند. / شرط این عمل این می باشد که آن کالا در بازار و یا در بورس قیمت مشخصی داشته باشد.

ماده ۳۷۴ قانون تجارت = در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ بازار در

روزی که وکالت خود را انجام می دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادیه

حق العمل کار را برداشت کند. / در این ماده حق العمل کار با آنکه خریدار یا فروشنده است باز هم می تواند

اجرت خود را دریافت کند. - آیا حق العمل کار اگر خودش خریدار یا فروشنده باشد باز هم حق دریافت اجرت خواهد داشت یا خیر؟؟

ماده ۳۷۵ قانون تجارت = در هر موردی که حق العمل کار شخصاً می تواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر

معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

اگر حق العمل کار طرف معامله را معرفی نکند آمر می تواند خود او را طرف معامله بداند.

ماده ۳۷۶ قانون تجارت = اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از

این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی تواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود.

قرارداد حمل و نقل

ماده ۳۷۷ قانون تجارت = متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را به عهده می‌گیرد.

تعریف متصدی: متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیا را به عهده می‌گیرد.

ماده ۳۷۸ قانون تجارت = قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردی که ذیلاً استثناء شده باشد.

قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردی که ذیلاً استثنا شده باشد.

ماده ۳۷۹ قانون تجارت = **(مهم) سوال: ارسال کننده باید چه نکاتی را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند؟**

پاسخ: ۱- آدرس صحیح مرسل الیه ۲- محل تقسیم مال ۳- عده عدل یا بسته و طرز عدل بندی ۴- وزن و محتوای عدل ها ۵- مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود ۶- راهی را که حمل باید از آن راه به عمل آید ۷- قیمت اشیا که گرانها است. خسارات ناشی از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها به غلط متوجه ارسال کننده خواهد بود. مرسل الیه = دریافت کننده / عدل = بسته بندی

* اگر این شرایط گفته شده را درست رعایت نکنیم در صورت عدم انجام صحیح عمل حمل و نقل توسط متصدی، متصدی مقصر نخواهد بود و خسارت وارد به کالا به عهده ارسال کننده است.

ماده ۳۸۰ قانون تجارت = ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره به طرز مناسبی عدل بندی شود.

خسارات بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل بندی به عهده ارسال کننده است. / عمل بسته بندی مناسب مال التجاره یا کالا توسط ارسال کننده - عیوب عمل بسته بندی به عهده ارسال کننده می‌باشد، مگر تحت شرایطی خاص که به عهده متصدی حمل خواهد بود.

ماده ۳۸۱ قانون تجارت = اگر عدل بندی عیب ظاهر داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت

قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود. / عیب ظاهری: هر کسی می‌تواند به راحتی متوجه آن شود - اگر متصدی متوجه عیب عمل بسته بندی شود باید عدم مسئولیت خود را قید کند وگرنه مشمول خسارات بحری یا آواری خواهد بود.

* **سوال مهم** = خسارات ناشی از عدم بسته بندی صحیح به عهده چه کسی است؟

پاسخ: اصولاً بر عهده ارسال کننده است مگر در موارد ذیل که بر عهده متصدی است: ۱- اگر شرط، خلاف شده باشد یعنی؛ بر متصدی حمل و نقل شرط مسئولیت نسبت به خسارت ناشی از عیوب بسته بندی درج شده باشد.

۲- اگر این دو شرط با هم جمع باشند :

الف) بسته‌بندی عیب ظاهری داشته باشد. **ب)** متصدی بدون قید عدم مسئولیت کالا را قبول کرده باشد.

۳- اگر بسته‌بندی به طور کامل بر عهده متصدی باشد.

مهم) ماده ۳۸۲ قانون تجارت = شرایط استرداد(پس گرفتن) کالا توسط ارسال کننده را بنویسید؟ و چه

زمانی حق استرداد نخواهد داشت؟ **مهم)** ارسال کننده می‌تواند از متصدی درخواست کند تا کالا را پس بدهد اما به شرطی که : ۱- در ید متصدی حمل و نقل باشد ۲- مخارج پرداخت شود ۳- خسارات آن را پرداخت نماید. (خسارات وارد بر متصدی حمل و نقل)

ماده ۳۸۳ قانون تجارت = مهم) = سوال : در چه مواردی ارسال کننده حق استرداد کارا را نخواهد داشت؟

پاسخ : در موارد ذیل ارسال کننده نمی‌تواند از حق استرداد مذکور در ماده ۳۸۲ استفاده کند:

۱- در صورتی که بارنامه توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه تسلیم شده باشد.

۲- در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس دهد.

۳- در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه اعلام کرده باشد که مال‌التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

۴- در صورتی که پس از وصول مال‌التجاره به مقصد مرسل‌الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.

در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل‌الیه عمل کند معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مادام که مال‌التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسل‌الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل‌الیه تسلیم شده باشد.

ماده ۳۸۴ قانون تجارت = اگر مرسل‌الیه مال‌التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و

نقل بابت مال‌التجاره تادیه نشود و یا به مرسل‌الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع

ارسال کننده رسانیده و مال‌التجاره را موقتاً نزد خود به طور امانت نگاهداشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر

دو صورت مخارج و هر نقص و عین به عهده ارسال کننده خواهد بود.

اگر ارسال کننده و یا مرسل‌الیه در مدت مناسبی تکلیف مال‌التجاره را معین نکند متصدی حمل و نقل می‌تواند

مطابق ماده ۳۶۲ آن را به فروش برساند.

اگر دریافت کننده از دریافت کالا امتناع نموده و آن را قبول نکند یا مخارج را نپردازد، تکلیف متصدی حمل

چیست؟ آیا در مسئولیت وی تأثیری خواهد داشت؟؟؟ پاسخ : نوع تصدی از نتیجه به وسیله تغییر می‌نماید و از آن

به بعد مسئول تلف نیست مگر اثبات تقصیر وی توسط مدعی

*برای اینکه نوع تعهد متصدی به تعهد به وسیله تغییر بکند باید ارسال کننده را در جریان بگذارد.

ماده ۳۸۵ قانون تجارت = اگر مال التجاره در معرض تضييع سريع باشد يا قيمتي كه مي توان براي آن فرض

كرد با مخارجي كه براي آن شده تكافو نمايد متصدي حمل و نقل بايد فوراً مراتب را به اطلاع مدعي العموم
بدايت محل يا نماينده او رسانيده و با نظارت او مال را به فروش رساند. / اگر متصدي ببيند كالاي در حال حمل
و نقل در حال تلف شدن است يا اينكه هزينه هاي آن بيشتر از قيمت آن است مي تواند با در جريان گذاشتن
ارسال كننده آن را به فروش برساند.

ماده ۳۸۶ قانون تجارت = اگر مال التجاره تلف يا گم شود متصدي حمل و نقل مسؤل قيمت آن خواهد بود

مگر اينكه ثابت نمايد تلف يا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره يا مستند به تقصير ارسال كننده يا مرسل اليه
ويا ناشي از تعليماتي بوده كه يكي از آنها داده اند و يا مربوط به حوادثي بوده كه هيچ متصدي مواظبي نيز نمي
توانست از آن جلوگیری نماید / اگر مال التجاره گم يا تلف شود مسؤل قيمت آن متصدي خواهد بود مگر اينكه
ثابت شود يا ثابت كند، تلف يا گم شدن آن مربوط به جنس کالا يا مستند به تقصير ارسال كننده باشد، چون نوع
تعهد متصدي تعهد به نتيجه مي باشد.

ماده ۳۸۷ قانون تجارت = در مورد خسارات ناشيه از تأخير تسليم يا نقص يا خسارات بحري (آواري)

مال التجاره نيز متصدي حمل و نقل در حدود ماده فوق مسؤل خواهد بود. خسارات مزبور نمي تواند از
خساراتي كه ممكن بود در صورت تلف شدن تمام مال التجاره حكم به آن شود تجاوز نمايد مگر اينكه قرارداد
طرفين خلاف اين ترتيب را مقرر داشته باشد.

**اگر متصدي حمل کالا را به راننده ديگري بسپارد ارسال كننده حق مراجعه به كداميك را خواهد داشت؟؟ و
نحوه مراجعه به چه نحوي خواهد بود؟؟**

ماده ۳۸۸ قانون تجارت = ارسال كننده = مراجعه به ← متصدي نحوه مراجعه به هر دو متفاوت است.
راننده

متصدي حمل و نقل مسؤل حوادث و تقصيراتي است كه در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اينكه خود مباشرت
به حمل و نقل كرده يا حمل و نقل كننده ديگري را مأمور كرده باشد. بديهي است كه در صورت اخير حق رجوع
او به متصدي حمل و نقلی كه از جانب او مأمور شده محفوظ است.

– در اينجا اگر ارسال كننده به متصدي مراجعه كند چون نوع تعهد آن تعهد به نتيجه است اثبات عدم تقصير بر
عهده متصدي خواهد بود. (اصل بر مقصر بودن) / اما اگر به راننده مراجعه كند، چون نوع تعهد آن به وسيله
است بايد ارسال كننده تقصير آن را اثبات كند (مهم)

ماده ۳۸۹ قانون تجارت = متصدي حمل و نقل مكلف است به محض رسيدن کالا به مقصد، مراتب را به اطلاع

مرسل اليه برساند. معمولاً متصديان حمل و نقل مسؤليتي در قبال تأخير بر عهده نمي گيرند. مگر آن كه براي
حمل بار به صراحت مدت معينی را پذيرفته باشند. معذلك در فرض غفلت يا تقصير متصدي حمل بار بايد او را

مسئول دانست. / بعد از تحویل کالا و دیگر خسارات آن بر عهده متصدی نخواهد بود مگر اینکه خلاق آن اثبات شود. / دلیل ماده: چون تعهد وی سالم رساندن کالا به مقصودات باید به محض رسیدن اطلاع دهد تا اگر مشکلی پیش آمد اصولاً دیگر خسارات بر عهده او نیست.

ماده ۳۹۰ قانون تجارت = عدالت سرا اگر مرسل‌الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه مینماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع‌فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

متصدی می‌تواند کالا را در نزد خود نگه دارد تا اجرت او پرداخت شود. / حبس متصدی

ماده ۳۹۱ قانون تجارت = اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده / در موقع تحویل گرفتن کالا جهت مراجعه بعدی و راحتی اثبات ادعا باید در هنگام امضا بنویسیم که کالا بصورت بسته بندی تحویل گرفته شده و در صورت معیوب بودن حق مراجعه خواهیم داشت و در هر حالت ظرف ۸ روز باید به متصدی اطلاع دهد. (خیلی مهم) تدلیس = پوشاندن عیب یک کالا به صورت عمدی.

ماده ۳۹۲ قانون تجارت = در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل‌الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیتدار محل می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لدی الاقتضاء فروخته شود در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورتمجلسی حاکی از آن که مال التجاره در چه حال بوده به عمل آید.

— مدت مرور زمان در دعاوی خسارت بر علیه متصدی را توضیح دهید.

ماده ۳۹۳ قانون تجارت = نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است. مبدأ این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره یا تأخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل‌الیه تسلیم شده.

ماده ۳۹۴ قانون تجارت = حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات این باب نیست.

مرور بخش قرارداد حمل و نقل :

ید (به معنای تصرف در حقوق) :
← امانی
← ضمانتی

ید امانی : در صورت تلف، نقص و... شخص مقصر نیست مگر اینکه خلاف آن توسط صاحب کالا اثبات شود.

مثل؛ عقد به وسیله و عقد ودیعه

ید ضمانتی: در صورت تلف، نقص و... شخص مقصر است (ضامن) مگر اینکه خلاف آن توسط متصدی با اثبات قوه قاهره و تحت شرایط شخص ثالث. مثل: تعهد به نتیجه (مثل تعهد متصدی حمل و نقل)

مباحث مهم قرارداد حمل و نقل:

۱- مهم = مسئولیت تلف، نقص یا خسارات وارد بر مال یا کالای مورد حمل ر عهده چه کسی می باشد؟

پاسخ= ۱- اصولاً مسئولیت موارد فوق و پرداخت قیمت بر عهده متصدی حمل و نقل خواهد بود؛ چرا که نوع تعهد ایشان، تعهد به نتیجه بوده و ید ایشان ید ضمانتی می باشد ۲- اصولاً خسارات وارده بر کالا به دلیل عدم بسته بندی صحیح بر عهده ارسال کننده می باشد؛ مگر تحت سه شرط:

۱- شرط خلاف شده باشد (متصدی و ارسال کننده خلاف آن را توافق کرده باشد) ۲- اگر شرایط ذیل با هم جمع باشند: الف) بسته بندی عیب ظاهری داشته باشد ب) متصدی حمل و نقل بدون قید عدم مسئولیت کالا را قبول کرده باشد ۳- اگر بسته بندی توسط خود متصدی حمل و نقل صورت گرفته باشد.

تعارض مادتين ۵۱۶ قانون مدنی با ماده ۳۸۶ و ۳۸۷ قانون تجارت:

۲- مهم = حل تعارض در خصوص مسئولیت متصدی حمل و نقل در قانون مدنی و قانون تجارت را تحلیل کنید؟

پاسخ= برای حل این تعارض دو نظر وجود دارد = ۱- اقلیت حقوقدانان: برخی ماده ۳۸۶ قانون تجارت را ناسخ ماده ۵۱۶ قانون مدنی دانسته اند چون جلسه اول قانون مدنی یعنی ماده ۱ تا ۹۵۵ مصوب ۱۳۰۷ بوده و قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ می باشد، در نتیجه موخر تصویب و ناسخ قانون سابق است.

۲- اکثریت حقوقدانان: باید ماده ۳۸۶ قانون تجارت را ناظر به موافقی بدانیم که شخص به متصدی حمل و نقل می پردازد (چهار شرط متصدی بودن که حتماً در امتحان ذکر شود) در نتیجه به واسطه تصدی و حمل و نقل تاجر محسوب می شود و نکته دوم اینکه طبق ماده ۳۷۷ قانون تجارت باب حمل و نقل صرفاً شامل حمل و نقل اشیا بوده و حمل و نقل مسافر را در بر نمی گیرد اما در مقابل ماده ۵۱۶ قانون مدنی ناظر به موافقی است که شغل معمولی شخص متصدی حمل و نقل نیست و یا شرایط متصد دیگری را ندارد (مثل رانندگان تاکسی) و به علاوه حمل و نقل مسافر فقط شامل قانون مدنی می باشد.

ماده ۵۱۶ قانون مدنی = تعهدات متصدی حمل و نقل از هر راهی که باشد همان است که برای امانتداران مقدر است. امانتداران = ید امانی / تعهد به وسیله

ماده ۳۸۶ قانون تجارت = تعهد به نتیجه / ید ضمانی

۳- مهم = مرور زمان در دعاوی ناشی از قرارداد حمل و نقل را بررسی و تحلیل کنید؟

پاسخ= ۱- در دعاوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل، مرسل الیه باید ظرف ۸ روز نوع خسارات را اطلاع داده و نهایتاً تا یک سال پس از تحویل حق طرح دعوا را خواهد داشت.

۲- در مورد سایر دعاوی که مربوط به خسارات نباشد برای این دعاوی در قانون تجارت مرور زمانی پیش بینی نشده است.

۴- مهم = شرایط استرداد کالا و عدم استرداد آن را توضیح دهید؟ پاسخ: اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی

حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید.

قائم مقام تجارتي و ساير نمايندگان تجارت

ماده ۳۹۵ قانون تجارت = قائم مقام تجارتي کسی است که رئيس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است. سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود یا عملاً. / قائم مقام تجارتي کسی است که رئيس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است. سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود یا عملاً / یعنی انتخاب وی هم می تواند بصورت کتبی و هم بصورت شفاهی باشد.

*** سوال = قائم مقام تجارتي معامله ای را انجام می دهد بدون اطلاع تاجر، تکلیف این معامله چه خواهد بود؟**

*** منظور ماده از این که امضای او برای تجارتخانه الزام آور خواهد بود چیست؟؟**

پاسخ: صحیح است زیرا هر معامله ای که قائم مقام یک شخص برای او انجام می دهد، انکار خود تاجر آن معامله را انجام داده است و امضای قائم مقام برای تجارتخانه الزام آور است.

نکته: (قائم مقام دفتر ندارد و تاجر نیست)

سوال = قائم مقامی و عاملی را با هم مقایسه کنید؟

پاسخ: ۱- هم قائم مقام و هم عامل معامله را به نام و به حساب یگیری انجام می دهند.

۲- عامل یک معامله خاصی را که آمر به او ماموریت داده منعقد می کند؛ اما قائم مقامی موضوع یک معامله خاص نیست لیکن کلیه امور و تصمیم گیری ها و معاملات تجارتخانه به قائم مقام واگذار می گردد.

۳- عاملی طبق **ماده ۲ قانون تجارت** عمل تجاری محسوب می شود، اما قائم مقام تجاری، عمل تجاری محسوب نمی شود و او تازه نیست.

۴- عامل یا قرارداد عاملی با فوت و جنون و سفیه شدن طرفین منحل می‌گردد یا به عبارت دیگر منفسخ خواهد شد اما قرارداد قائم مقام تجاری، مطابق قانون تجارت با فوت صاحب تجارتخانه از بین نرفته، پس قائم مقام قهراً منحل نخواهد شد. لیکن در حالت برعکس آن، با فوت قائم مقام قرارداد آنها منفسخ خواهد شد.

چرا که قائم مقامی، قائم به شخص است (یعنی وارث او ملزم به تبعیت نیست)

ماده ۳۹۶ قانون تجارت = تحدید اختیارات قائم مقام تجاری در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته‌اند معتبر نیست.

تحدید (محدود کردن) اختیارات قائم مقام تجاری در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته باشند معتبر نیست (یعنی شخص ثالث باید از محدود شدن اختیارات قائم مقام اطلاع داشته باشد) مثال؛ قائم مقام اختیار انعقاد قراردادهایی تا سقف ۵ میلیارد را دارد.

انعقاد قرارداد با مبلغ ۷ میلیارد توسط تاجر

این معامله دو حالت دارد = ۱) اگر شخص ثالث از تحدید اختیارات اطلاع داشته باشد معامله **غیر نافذ** است.

۲) اگر شخص ثالث از تحدید اختیارات قائم مقام اطلاع نداشته باشد طبق **ماده ۳۹۶ قانون تجارت و منطوق نافذ** و صحیح است.

معامله فضولی :

معامله فضولی؛ معاملات خارج از اختیار می‌باشد و تکلیف این نوع معامله **غیر نافذ** است زیرا ممکن است اصیل آن معامله را تنفیذ کنید.

تعدد قائم مقامی

حالتی را در نظر بگیرید که تاجر فرضاً برای خود ۳ نفر قائم مقام تعیین نموده و تعدد شرایط را بررسی کنید:

ماده ۳۹۷ قانون تجارت = قائم مقام تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود با قید اینکه تا تمام امضاء نکنند تجارخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته‌اند فقط در صورتی می‌توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

یک قائم مقام سه نفر را به عنوان قائم مقام معرفی می‌کند پس حالت اجتماع (هر معامله، الزاماً به امضای هر سه نفر برسد) یا حالت استقلال باشد (هر قائم مقام به تنهایی حق امضای معامله را دارد مشخص می‌کند).
- اگر حالت اجتماع کتباً اعلان نشده باشد در مقام اشخاص ثالث بی اعتبار بوده و معامله هر کدام از قائم مقام ها به تنهایی صحیح است.

- **تعدد قائم مقامی و تعدد وکالت** = اگر چند نماینده به طور مطلق تعیین شده باشند؛ یعنی بیان نشده که این چند نفر مستقلاً عمل نمایند یا مجتمعاً، به عبارت دیگر در **موارد سکوت** در وکالت مدنی طبق **ماده ۶۶۹ قانون مدنی** وکلای متعدد **باید با الاجتماع** عمل نمایند یعنی اصل بر آن است که در صورت انتخاب چند شخص به عنوان وکیل آن مجتمعاً عمل کنند مگر اینکه **خلاف آن مقرر شده باشد**. اما در قائم مقامی مطابق قانون تجارت اصل بر استقلال قائم مقام ها می باشد و چنانچه محدودیت اعلان نشده باشد در برابر اشخاص ثالث این محدودیت معتبر نخواهد بود

ماده ۳۹۸ قانون تجارت = (قائم مقام تجارتي بدون اذن رئیس تجارخانه نمی‌تواند کسی را در کلیه کارهای تجارخانه نایب خود قرار دهد) تفویض: تمام اختیارات به دیگری واگذار شده و خودش کنار می‌رود.

تفویض قائم مقامی: همان گونه که در بحث وکالت در ماده **۶۷۲ قانون مدنی** آمده است؛ وکیل با اجازه موکل خود حق توکیل به غیر، یا تفویض وکالت خود به غیر را دارد.

درباره قائم مقامی تجارت نیز همین مقرر در ماده ۳۹۸ قانون تجارت نیز قید گردیده است، در توکیل ممکن است وکیل دوم برای خود وکیل باشد یا موکل پس قائم مقام اجازه تفویض ندارد مگر اینکه صاحب تجارتخانه به او این اجازه را داده باشد؛ اما می تواند انجام امور جزئی را به شرط نظارت خود به شخص دیگر واگذار نماید.

عزل قائم مقام

ماده ۳۹۹ قانون تجارت = عزل قائم مقام تجاری که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب

می شود. / مربوط به کتبی یا شفاهی بودن انتخاب قائم مقامی تجارت / انتخاب قائم مقام می تواند هم بصورت شفاهی باشد هم کتبی باشد اما اگر انتخاب کتبی بوده باید عزل وی هم کتبی ثبت و اعلان شود وگرنه در مقابل ثالث بی اطلاع این عزل معتبر نخواهد بود.

مفهوم مخالف ماده ۳۹۹ قانون تجارت = عزل قائم مقام تجاری که وکالت او به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد، می تواند مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت نرسیده و اعلان نشود اما باز هم در این حالت عزل در مقابل ثالث بی اطلاع تأثیری نخواهد داشت.

*** نکته :** اگر قائم مقام کتبی انتخاب شده باشد، باید عزل آن نیز کتبی باشد و اگر شفاهی انتخاب شده باشد، هم می تواند کتباً عزل شود هم می تواند شفاهاً عزل شود.

– انحلال عزل قائم مقامی و مقایسه آن با عزل وکالت :

قائم مقام تجاری مانند وکیل قابل عزل است، اگر وکالت قائم مقام به ثبت رسیده و اعلام شده باشد، عزل او نیز الزاماً باید به ثبت رسیده و اعلام گردد. وگرنه در مقابل ثالثی که از این عزل مطلع نبوده، نیابت او همچنان باقی محسوب می گردد، اما در وکالت اگر موکل، وکیل را عزل کند تا زمانی که به اطلاع او نرسانده باشد (یعنی وکیل) اعمال او نافذ خواهد بود اما پس از مطلع شدن وکیل از عزل، اعمال وی غیر قابل استناد خواهد بود حتی اگر طرف مقابل قرار داد (یعنی شخص ثالث) از عزل وکیل بی اطلاع باشد، اما در قائم مقام تجاری ثبت شده تا زمانی که عزل ثبت و اعلام نشده باشد در مقابل شخص ثالث، قابلیت استناد را ندارد و علم قائم مقام به عزل مهم

نیست / به عبارت دیگر در وکالت علم وکیل به عزل مهم است اما در قائم مقامی علم ثالث به عزل مهم است و علم خود قائم مقام تاثیری ندارد.

ماده ۴۰۰ قانون تجارت = با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتي منعزل نیست. با انحلال شرکت

قائم مقام تجارتي منعزل است / با فوت قائم مقام قرارداد قائم مقامی منفسخ (قهری بدون اراده - مطابق قانون) است چون قائم مقامی قائم به شخص است. / اما با فوت رئیس تجارتخانه قائم مقام عزل نمی شود و قرارداد باقی است.

ماده ۴۰۱ قانون تجارت = وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارتخانه یا شعبه تجارتخانه سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به وکالت است. / یعنی با فوت و حجر منسوخ می گردند.

عقد ضمانت

مضمون عنه (بدهکار اصلی) ، (مدیون)

مضمون له (طلبکار) ، (داین)

ضامن (متعهد)

قرارداد ضمانت

* اصل نسبی بودن قرارداد: ما حق نداریم به ضرر شخص ثالث، یک مسئولیتی را تحمیل کنیم. " در نظر بگیریم "

تضامنی (عرضی)

وثیقه ای (طولی)

اقسام ضمانت: (۱) نقل ذمه به ذمه (۲) ضم ذمه به ذمه

سوال = انعقاد قرار داد ضمانت ما بین؟؟؟

(۱) هر ۳ نفر (۲) بین ضامن و بدهکار (۳) بین ضامن و طلبکار (۴) بین بدهکار و طلبکار

پاسخ = مطابق قانون بین طلبکار و ضامن امضا می شود. (طبق اثر نسبی بودن قرارداد نمی شود که قرارداد بین بدهکار و طلبکار امضا شود)

حال یا موجب بودن ضمانت:

سکوت: تابع دین اصلی (عدم تعیین)

نوع ضمانت حال

نوع ضمانت موجب

ضامن

فوت یا ورشکستگی

بدهکار اصلی ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

مثال: دریافت وام مضاربه

توجه:!! ضمانت تبعی = رایگان / در قانون اصل بر تبعی بودن ضمانت است مگر با اثبات خلاف آن.

نکته: از نظر منطقی قرارداد ضمانت معوض است اما در قانون اصل بر تبرعی بودن است؛ مگر اینکه ضامن به

صورت کتبی از بدهکار اجازه بگیرد و یا اینکه شاهدهی داشته باشد. (۲ شاهد مرد یا ۴ شاهد زن)

* نقل ذمه به ذمه = تعهد از بدهکار به ضامن منتقل می شود.

* ضم ذمه به ذمه = تعهد ضامن به تعهد بدهکار ضمیمه می شود.

توضیحات کامل اقسام ضمانت :

– نقل ذمه به ذمه؛ در این حالت بعد از اینکه قرارداد ضمانت امضا شده و منعقد می گردد مدیون اصلی (مضمون

عنه) "بری الذمه" شده و فقط شامن در برابر مضمون له متعهد می گردد. به عبارت دیگر طلبکار صرفاً حق

مراجعه به ضامن را دارد.

– ضم ذمه به ذمه؛ در این حالت بعد از آنکه ضمانت صورت می گیرد مدیون اصلی همچنان متعهد باقی می ماند

و علاوه بر او ضامن نیز در برابر طلبکار مسئول و متعهد می گردد. به عبارت دیگر طلبکار حق مراجعه به هر دو

نفر را خواهد داشت.

* طبق قانون مدنی اصل بر **ضمانت نقل ذمه به ذمه** است مگر اینکه خلاف آن منعقد شود بین طرفین.

– در ضم ذمه به ذمه تضامنی :

هم طلبکار و هم ضامن همزمان مسئول پرداخت هستند (اولیتی در اینجا مطرح نیست)

– در ضم ذمه به ذمه وثیقه ای :

طلبکار اول به بدهکار اصلی مراجعه می کنند و اگر پرداخت نکند در مرحله دوم به ضامن مراجعه می شود.

– حال (مُعَجَّل) موجَل (مدت دار) بودن ضمانت در حال سکوت (عدم تعیین نوع ضمانت) اصل بر چیست؟؟

حال یا موجَل ؟

(وام مضاربه = وام در موعد مشخص به صورت یکجا با سود بانکی برگردانده شود)

پاسخ = تابع دین اصلی است. یعنی دین اصلی موجَل باشد ضمانت هم موجَل و اگر دین اصلی حال باشد ضمانت

هم حال خواهد بود.

گرچه خلاف آن را هم می توانند توافق بکنند ولی ما حالت سکوت را بررسی کردیم.

– در حالت ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی تکلیف چیست؟ همه بدهی های وی "حال" می شود.

ماده ۴۰۲ قانون تجارت: **ضامن** وقتی **حق** دارد از **مضمون له** تقاضا نماید که بدو^ا به **مدیون** اصلی رجوع کرده و

در صورت عدم وصول **طلب** به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن **قرارداد** مخصوص خواه در خود

ضمانت نامه (این ترتیب مقرر شده باشد).

اصل در ضمانت تجاری این است که ضامن و مدیون اصلی (بدهکار) هر دو در برابر طلبکار مسئولند و طلبکار

حق دارد از هر یک از آنها که بخواهد مطالبه کند، اما اگر در قرارداد ضمانت شرط شده باشد که طلبکار باید

ابتدا به بدهکار اصلی رجوع کند و اگر طلبش را دریافت نکرده، به ضامن رجوع نماید، آنگاه ضامن حق دارد چنین درخواستی داشته باشد.

*** اصل بر ضمانت وثیقه ای نیست مگر طرفین خلاف آن باهم توافق کنند (اصل بر تضامنی)**

ماده ۴۰۳ قانون تجارت: در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی

باشد طلبکار می تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.

در ضمانت تضامنی، برخلاف ضمانت ساده، ضامن و بدهکار اصلی هر دو بطور کامل مسئول پرداخت بدهی اند. یعنی طلبکار حق دارد برای تمام طلب، هم زمان یا جداگانه به هر کدام از آنها مراجعه کند و نیازی به اثبات عدم پرداخت از سوی بدهکار اصلی ندارد.

*** تعارض بین مواد ۴۰۲ و ۴۰۳ قانون تجارت:**

طبق قانون مدنی (۶۹۸م) اصل بر نقل ذمه به ذمه است پس یکی از نظریات می تواند این باشد که اصل بر نقل ذمه به ذمه باشد زیرا هم قانون مدنی به آن اشاره کرده است و هم مواد قانون تجارت به طور غیر مستقیم به آن اشاره کرده است.

نوع ضمانت = ۱- موجد (مدت دار) ۲- حال

ماده ۴۰۴ قانون تجارت: در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی

باشد طلبکار می تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.

وقتی چند نفر طبق قرارداد یا قانون متضامناً مسئول انجام یک تعهد هستند، طلبکار می تواند برای گرفتن طلبش به هر کدام از آنها که بخواهد، یا به همه آنها باهم مراجعه کند. اگر یکی از طلبش را نگیرد، می تواند سراغ دیگری برود.

ماده ۴۰۵ قانون تجارت: قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تادیه نیست ولو اینکه به واسطه

ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجد او حال شده باشد.

اگر دینی که ضامن آن شده ایم، موعد پرداختش هنوز نرسیده، ضامن مجبور به پرداخت آن نیست، حتی اگر اتفاقی مثل ورشکستگی یا فوت بدهکار باعث شود که طلبکار بتواند زودتر از موعد اصلی طلبش را بخواهد.

ماده ۴۰۶ قانون تجارت: ضامن حال از قاعده فوق مستثنی است.

در ماده قبل گفته شد که ضامن تا وقتی موعد پرداخت دین نرسیده، مجبور به پرداخت نیست. اما اگر ضمانت به صورت حال باشد، این قاعده دیگر اجرا نمی شود و ضامن باید هر زمان که طلبکار بخواهد، بدهی رو بپردازد.

ماده ۴۰۷ قانون تجارت: اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به ضامن نیز

باید به عمل آید.

اگر طلبکار برای گرفتن طلبش از بدهکار باید اول یک اخطار رسمی بدهد (مثلاً در قرارداد این طوری نوشته شده باشد) همین اخطار باید به ضامن هم داده شود تا ضامن هم مثل بدهکار رسمی در جریان باشد.

ماده ۴۰۸ قانون تجارت: همین که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شده ضامن نیز بری می‌شود.

اگر دین اصلی به هر دلیلی از بین برود یا فسخ شود، ضامن هم دیگر مسئول پرداخت آن نیست و از تعهدش آزاد می‌شود.

ماده ۴۰۹ قانون تجارت: همین که دین حال شد ضامن می‌تواند مضمون‌له را به دریافت طلب یا انصراف از

ضمان ملزم کند ولو ضمان موجل باشد.

وقتی که بدهی سر رسید شده و باید پرداخت شود، ضامن می‌تواند از طلبکار بخواهد که یا طلب را بگیرد یا اینکه از ضمانت صرف نظر کند، حتی اگر ضمانت قبلاً زمان دار (موعد دار) بوده باشد.

ماده ۴۱۰ قانون تجارت: استنکاف مضمون‌له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه - اگر دین با وثیقه بوده -

ضامن را فوراً و به خودی خود بری خواهد ساخت.

اگر کسی طلب دارد (مضمون له) از گرفتن پول امتناع کند یا اگر بدهی به صورت وثیقه بوده و او از دادن آن وثیقه خودداری کند، ضامن به طور خودکار و فوری مسئولیت اش تمام می‌شود و دیگر مجبور به پرداخت نیست.

ماده ۴۱۱ قانون تجارت: پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون‌له باید تمام اسناد و مدارکی را که

برای رجوع ضامن به مضمون‌عنه لازم و مفید است به او داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم

نماید - اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته مضمون‌عنه مکلف به انجام تشریفاتی است که برای انتقال وثیقه به

ضامن لازم است.

بعد از اینکه ضامن بدهی را پرداخت کرد، طلبکار باید همه مدارک و اسنادی که ضامن برای گرفتن پولش از

بدهکار اصلی نیاز دارد، به ضامن بدهد. اگر بدهی با وثیقه ای مثل ملک یا ماشین تضمین شده باشد، بدهکار

موظف است کار های قانونی انتقال آن وثیقه به ضامن را انجام دهد.